

بررسی تطبیقی هویت قومی و هویت ملی در میان دانش‌آموزان ترک آذری زبان و کردزبان (مطالعه موردی شهرستان میاندوآب)

(صفحات ۶۹ تا ۹۸)

مهدی جلالی^۱

پذیرش: ۹۷/۰۷/۲۴

دریافت: ۹۷/۰۵/۲۶

چکیده

ایران کشوری با تنوع قومی است که اقوام مختلف در طول تاریخ، روابط متنوعی با یکدیگر داشته‌اند. انسجام ملی، پیش‌زمینه‌ای برای توسعه کشور محسوب می‌شود. شهرهای چند قومیتی بسیاری در کشور وجود دارند، که اگر در این مناطق تضاد قومیتی وجود داشته باشد، امنیت کشور به خطر افتاده و انسجام ملی متزلزل می‌شود. شهرستان میاندوآب، یکی از مناطق دو قومیتی است که ترک آذری زبانان و کردزبانان را در خود جای داده است. اینکه ترک آذری زبانان و کردزبانان، بر کدام نوع هویت بیشتر تأکید می‌کردند، بر شناخت مسئله می‌افزود. در تحقیق حاضر، سؤال اصلی تحقیق بدین شکل مطرح شد: آیا پیوندهای ضعیف بین دو قوم، سبب افزایش انسجام ملی می‌شود؟ با توجه به پیشینه تحقیق و نظریات موجود، فرضیه بدین گونه طرح شد: بین پیوندهای ضعیف میان دو گروه قومی و هویت ملی / قومی رابطه معناداری وجود دارد. روش تحقیق این پژوهش، پیمایشی با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی بود. یافته‌های تحقیق نشان داد که با افزایش پیوندهای ضعیف میان دو قوم، هویت ملی نیز افزایش پیدا می‌کند. به عبارتی هر چقدر افراد یک قوم، ارتباط بیشتری با قوم دیگر برقرار کنند، میزان هویت ملی آنها نیز افزایش پیدا می‌کند. همچنین به هر اندازه ارتباط افراد یک قوم با افراد قوم دیگر کاهش پیدا کند، میزان هویت قومی آنها نیز افزایش پیدا خواهد کرد. نتیجه تحقیق چنین بود که یکی از مهم‌ترین عوامل تقویت هویت ملی، میزان ارتباط (مخصوصاً روابط ضعیف) بین اقوام است و با افزایش ارتباط بین اقوام، هویت ملی و در پی آن انسجام ملی نیز تقویت می‌شود.

واژگان کلیدی: هویت قومی، هویت ملی، ترک آذری زبان، کردزبان، شهرستان میاندوآب.

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی بررسی مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه شهید بهشتی تهران؛

Mahdi_jalali_aze@yahoo.com

مقدمه

رابطه بین اقوام از مسائل مهمی است که در جوامع چند قومی^۱ وجود دارد. نوع برخورد حکومت با اقوام، نحوه دخالت دادن اقوام در امور مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشور، برقراری توازن و برابری بین اقوام و هویت‌های قومی و ملی از جمله این مسائل است که باید در بحث جوامع چند قومی مدنظر داشت. در طول تاریخ، اقوام مختلف، از اهمیت زیادی برای ممالک برخوردار بوده‌اند. در اموری مثل برده‌گیری، مالیات‌دهی، مهاجرت، جابجایی، تعیین سرحدات و ... اقوام در صدر مسائل قرار داشت. این اقوام در یک نظام سیاسی و اقتصادی مشارکت داشته اما از جهات دیگر تا اندازه زیادی باهم متمایز بودند. در چند دهه اخیر، مسئله اقوام اهمیت زیادی پیدا کرده که دلیل این امر می‌تواند به مسائلی چون تبعیض، شورش‌های قومی، انسجام و همبستگی ملی و ... برگردد. مسأله تکثر قومی و مذهبی کشورها و تنوع و ناهمگونی فرقه‌ها و اقلیت‌های قومی و مذهبی از اهمیت و حساسیت زیادی برخوردار است و از مهم‌ترین ابزارهای استعماری بیگانگان محسوب می‌شود. هویت قومی، ارتباط وثیقی با انسجام ملی دارد. باید گفت تشدید هویت قومی باعث می‌شود که انسجام ملی به خطر افتد. اهمیت این مسئله در کشورهای توسعه‌نیافته و کمتر توسعه‌یافته دوچندان است. در این کشورها که هنوز جامعه مدنی نهادینه نشده است، این مسئله می‌تواند اثرهای مخربی بر سرنوشت ملت‌ها بگذارد.

در سال‌های گذشته، کشورهای بزرگی دچار فروپاشی شده‌اند که از آن جمله می‌توان به اتحاد جماهیر شوروی، یوگسلاوی و چکسلواکی اشاره کرد. اگر با دقت به بافت اجتماعی این کشورها نگریسته شود، متوجه این امر می‌توان شد که هر کدام از این کشورها دارای اقلیت‌های قومی بوده‌اند و تحریک حس قومی به همراه ترکیب با سایر عوامل، سبب فروپاشی آنها شده و کشورهای تازه استقلال یافته نیز بر پایه قومیت شکل گرفته‌اند. علاوه بر کشورهایی که در بالا اشاره شد، می‌توان کشورهایی را ذکر کرد که احتمال دارد در آینده‌ای نه چندان دور، دچار تقسیماتی با توجه به مسئله قومیت شوند. به عنوان مثال اقوام باسک و کاتالان از اسپانیا جدا گردند، اسکاتلندی‌ها از بریتانیا استقلال

1. Plural ethnic society

بگیرند و کردهای عراق، تشکیل دولتی جدید دهند. چنانچه بر گزارى همه‌پرسى در طى سال‌هاى اخير، در اين مناطق، حاكى از اين مسئله است.

درگيرى و شورش قومى، از ديگر مسائلى است كه بايد در مورد اقوام بدان توجه نمود. ۳۵ مورد از ۳۷ مورد درگيرى در كشورها در سال ۱۹۹۱، درگيرى داخلى بوده است كه بيشتر به درگيرى قومى بر مى‌گردد. (اريكسن، ۱۹۹۳: ۲). اقوام در طول ساليان گذشته، نه تنها با يكديگر، بلكه با دولت مركزى نيز دچار اختلافاتى شده‌اند. از طرف ديگر بايد در نظر داشت كه ماهيت اين درگيرى‌ها و تضادها، در دولت‌هاى گوناگون متفاوت بوده و ممكن است ناشى از ساختارهاى فرهنگى، اجتماعى، سياسى و اجتماعى خاص باشد (چلبى و يزدانى نسب، ۱۳۹۰: ۴۸).

همچنين بايد در نظر داشت كه هرچند مفهوم قوميت بايد هميشه معناى يكسانى داشته باشد ولى ممكن است با موشكافى، زمينه‌هاى اجتماعى مختلفى براى آن بتوان ذكر كرد. ممكن است برخى زمينه‌هاى بين قومى در جوامع مختلف شبیه به هم بوده و در بعضى ديگر عميقاً متفاوت باشد. بر اساس مطالعات انجام شده، در اينجا مى‌توان برخى انواع گروه‌هاى قومى با زمينه‌هاى گوناگون را ذكر كرد (اريكسن، ۱۹۹۳: ۱۳-۱۴). البته بايد اشاره نمود كه اين ليست كامل نيست.

۱) اقليت‌هاى قومى شهرى^۱: اين گروه شامل مهاجران غيراروپايى در شهرهاى اروپا و همچنين مهاجران به شهرك‌هاى صنعتى در آفريقا و جاهاى ديگر مى‌گردد. مطالعات انجام شده بر روى اين مهاجران بيشتر بر مسائل مربوط به تطابق، تبعيض قومى از سوى جامعه ميزبان، نژادپرستى و مسائل مربوط به مديریت هويت و تغيير فرهنگى مى‌شود. نمونه‌اى از اين اقوام مى‌توان به مهاجران ترك اشاره كرد كه در آلمان حضور دارند. همچنين اسپانيايى‌زبان‌هاى ايالات متحده نيز از اين جمله‌اند؛

۲) مردم بومى^۲: اين واژه اصطلاحى براى ساكنان اصلى يك سرزمين است كه به طور نسبى، از نظر سياسى بى‌قدرت هستند و كسانى‌اند كه به‌طور جزئى در دولت - ملت مسلط، تركيب شده‌اند. مردم بومى، به شيوه توليد غيرصنعتى و نظام سياسى

1. Urban ethnic minorities

2. Indigenous people

بدون دولت، وابسته هستند. باسک در خلیج بیسکای اسپانیا، ولز در بریتانیای کبیر هرچند که مردم بومی محسوب نمی‌شوند ولی به عنوان بومی شناخته می‌شوند و به صورت خاصی تکلم می‌نمایند؛

۳) ملت‌های آغازین^۱ (که جنبش‌های قومی - ملی نیز نامیده می‌شود): این گروه‌ها رهبران سیاسی دارند که ادعا می‌کنند آنها مستحق داشتن دولت - ملت خود هستند و نباید زیر لوای دیگران قرار گیرند. آنها همیشه وابسته به سرزمین هستند و بر اساس طبقه و کسب تحصیلات از بقیه تفاوت می‌پذیرند. اگر به طور خلاصه این گروه توضیح داده شود، آنها به عنوان ملت‌های بدون دولت شناخته می‌شوند. این گروه‌ها، مشهورترین گروه‌های قومی در رسانه‌ها از سال ۱۹۹۰ به این سو شناخته می‌شوند. نمونه‌ای از این دسته، کردها، سیک‌ها، فلسطینی‌ها و تامل‌ها می‌باشند؛

۴) گروه‌های قومی در جوامع چند قومی^۲: اصطلاح جوامع چند قومی معمولاً به دولت‌های ایجاد شده از طریق استعمار اشاره دارد که دارای جمعیت‌های غیرهمگن از نظر فرهنگی هستند. این گونه جوامع در کنیا، اندونزی و جامائیکا دیده می‌شود. گروه‌هایی که در جوامع چند قومی قرار دارند، هرچند مجبور به مشارکت در نظام‌های سیاسی و اقتصادی واحد هستند ولی از بسیاری جهات دارای تمایزاتی‌اند. در این جوامع تجزیه‌طلبی هرچند یک گزینه نیست ولی قومیت می‌تواند مبنای درگیری قومی گردد. از نظر ریچارد جنکینز، دولت‌های امروزی را باید جوامع چند قومی محسوب کرد (اریکسن، ۱۹۹۳: ۱۳-۱۴).

ایران، کشوری با تنوع قومی زیاد است و اقوام مختلف در آن ساکن هستند. در طول تاریخ، این اقوام روابط متفاوتی با یکدیگر داشته‌اند که این روابط گاه تعامل و همکاری بوده و گاه شورش علیه یکدیگر و یا علیه دولت بوده که سبب بروز تضاد قومی شده است. عوامل متعددی همچون نخبگان و نیروهای بین‌المللی در شکل‌دهی به هویت قومی و همچنین تضاد و درگیری قومی بین اقوام ایرانی، اثرگذار بوده است. از دوره رضاشاه به این سو، روابط قومی حالتی خاص به خود گرفت. رضاشاه که سیاست ضد قومی در

1. Proto-nations

2. Ethnic groups in plural society

پیش گرفته بود، سبب بروز برخی جنبش‌های قومی گردید. علاوه بر وجود این جنبش‌ها، در سال‌های اخیر، اعتراضات قومی متعددی نیز در بین اقوام مشاهده می‌شود. علاوه بر آن نباید از تشکیل برخی گروه‌های قوم‌گرا غافل ماند.

انسجام ملی، از جمله مسائلی است که می‌تواند سبب رشد و توسعه کشور گردد. اگر انسجام ملی به خطر افتد، نه تنها توسعه حاصل نمی‌شود، بلکه ممکن است شاهد پس‌رفت کشور نیز بود. در ایران، شهرهای بسیاری وجود دارند که قومیت‌های مختلفی در آن ساکن هستند و می‌توان آنها را شهرهای چند قومیتی نامید. در این گونه شهرها، اگر تضاد قومی وجود داشته باشد، امنیت منطقه به خطر می‌افتد و در سطحی وسیع‌تر انسجام ملی و انسجام اجتماعی متزلزل می‌شود.

شهرستان میاندوآب (واقع در استان آذربایجان غربی)، یکی از این شهرهای دو قومیتی است. اینکه ترک آذری زبانان و کردزبانان، چگونه هویتی دارند و بر هویت قومی بیشتر تأکید می‌کنند یا هویت ملی، بر شناخت مسئله روابط قومی می‌افزاید. تمامی مطالب ذکر شده از یک سو و نبود تحقیق جامع و کامل در زمینه روابط بین اقوام در منطقه از سوی دیگر، محقق را برمی‌انگیزاند که به بررسی این مسئله پردازد.

سؤال‌هایی که با توجه به مسئله تحقیق می‌توان مطرح کرد بدین گونه می‌باشند: وضعیت هویت قومی در میان کردزبانان و ترک آذری زبانان شهر میاندوآب چگونه است؟ به عبارت دیگر آیا میان گرایش به هویت قومی در بین کردزبانان و ترک آذری زبانان، تفاوت معناداری وجود دارد؟ عوامل مؤثر بر هویت قومی در دو قوم کدامند؟ همچنین پیوندهای ضعیف بین دو قوم، سبب افزایش انسجام ملی می‌شود یا نه؟ اهداف تحقیق را می‌توان به صورت زیر بیان کرد:

- ۱) بررسی وضعیت هویت قومی در میان ترک آذری زبانان و کردزبانان شهرستان میاندوآب؛
- ۲) بررسی هویت ملی در میان ترک آذری زبانان و کردزبانان شهرستان میاندوآب؛
- ۳) مقایسه تطبیقی هویت قومی و هویت ملی در بین ترک آذری زبانان و کردزبانان شهرستان میاندوآب.

۱. ادبیات تجربی

مطالعات بسیاری در زمینه رابطه بین اقوام صورت گرفته است. در این مطالعات، به بررسی هویت قومی و ملی در بین عامه مردم و یا قشر خاصی چون دانشجویان پرداخته شده و دانش‌آموزان کمتر مورد توجه بوده‌اند. همچنین مناطق چند قومیتی کمتر مورد توجه تحقیقات پیشین بوده است. در این قسمت از تحقیق به برخی از مهم‌ترین مطالعات صورت گرفته که با نگرش و روشی علمی به مطالعه رابطه بین اقوام (تحقیقات خارجی و داخلی) پرداخته‌اند، اشاره می‌شود.

پیشینه تجربی خارجی: پلوس در مقاله‌ای با عنوان ساخت قومیت جهانی شده، هویت قومی مهاجرانی را که از هند به هنگ‌کنگ مهاجرت کرده‌اند، بررسی می‌کند. به نظر پلوس، جهانی شدن هویت قومی را انعطاف‌پذیر می‌کند، زیرا فرآیند جهانی شدن نظرهای مردم درباره خودشان را تغییر می‌دهد (پلوس، ۲۰۰۵: ۲۰۱). ژین بایوا، تحقیقی با عنوان مطالعه تجربی هویت قومی نوجوانان در قزاقستان انجام داد. چهار نقطه تمرکز این تحقیق، شامل احساس تعلق به هویت قومی، معناداری و ارزش هویت قومی، ارتباط بین اکثریت و اقلیت قومی، به کارگیری زبان قومی بوده است. به نظر محقق، به‌طور کلی تعلق و تعصب به گروه قومی ناشی از نقش مسلط والدین بر نوجوانان و ساختار قوم‌گرایانه آنان است و از آنجایی که این نوجوانان در مرحله جامعه‌پذیری هستند، ممکن است در سال‌های جوانی و بزرگ‌تر شدن و به دنبال استقلال، تغییر نگرش دهند (بایوا، ۲۰۱۳: ۹۳۹). کابر در پژوهشی با عنوان الگوهای طرد اجتماعی در رابطه با فرهنگ و قومیت، نشان داده است که در برخی از فرهنگ‌های آسیایی اشکال مهمی از محرومیت‌ها وجود دارد که تماماً از طریق رویکردهای اقتصادی درک نمی‌شوند. این موارد شامل جنبه‌هایی است که به هویت مربوطند و تحقیر فرهنگی افراد را برحسب هویتی که به آنها نسبت داده می‌شود، نشان می‌دهد. این امر ممکن است به عضویت در گروه‌های خاص (نژاد، قومیت و اقلیت مذهبی بودن) مربوط باشد که وجوه مشترک خود را می‌شناسند و دارای باورها و ارزش‌های مشابهی هستند (کابر، ۲۰۰۶: ۶۴). علاوه بر موارد فوق، می‌توان به کارهای گور (۱۹۹۳)، والتر (۲۰۰۶)، اشتینبرگ (۲۰۰۸)، وایمر و سدرمن (۲۰۰۹) که در مورد نارضایتی‌ها و شورش‌های قومی بوده است، اشاره کرد. پیشینه تجربی داخلی: چلبی (۱۳۷۸) در چارچوب یک پیمایش ملی با عنوان هویت

قومی و رابطه آن با هویت ملی، به این نتیجه رسد که دلبستگی ترک‌آذری‌ها به زبان فارسی به عنوان زبان ملی و دلبستگی کردها به دولت جمهوری اسلامی ایران به عنوان دولت ملی، کمتر از سایر اقوام است. یوسفی (۱۳۸۰)، در مطالعه‌ای با عنوان روابط بین قومی و تأثیر آن بر هویت اقوام، به این نتیجه رسید که با افزایش همکاری‌های بین قومی که از ترکیب سه نوع رابطه فکری، عاطفی و معیشتی اقوام حاصل می‌شود، تعلق و وفاداری اقوام به اجتماع ملی افزایش پیدا می‌کند و در مقابل با افزایش تعارضات و خصومت‌های قومی، تعلق و وفاداری اقوام به اجتماع ملی تضعیف می‌گردد. علایی (۱۳۸۵) در مطالعه‌ای به عنوان رابطه قوم‌مداری زبانی و جمع‌گرایی با کاربرد زبان فارسی در محیط‌های آموزشی یک منطقه ترک‌زبان، به این نتیجه رسید که جامعه دانش‌آموزان منطقه، اساساً جامعه‌ای جمع‌گراست و این خصوصیت یکی از موانع کاربرد زبان فارسی است. از سوی دیگر، علاقه به زبان قومیت و زبان مادری، یکی از ویژگی‌های دانش‌آموزان منطقه است؛ اما این ویژگی، بر خلاف تصور رابطه مثبتی با میزان کاربرد زبان فارسی به عنوان زبان دوم دارد. حاجیانی در مطالعه‌ای با عنوان نسبت هویت ملی و هویت قومی در میان اقوام ایرانی که در سال ۱۳۸۷ انجام داد به این نتیجه دست یافت که هویت قومی و هویت ملی در میان اقوام ایرانی قوی و برجسته است و تفاوت معناداری از نظر میانگین گرایش اقوام به این دو بعد هویت وجود ندارد. رحمانی (۱۳۸۸) در مطالعه‌ای با عنوان بررسی نگرش نخبگان کرد به هویت جمعی (قومی/ملی) پرداخت. وی به این نتیجه رسید که مایه فرهنگی گفتمان اغلب این نخبگان همراه با اتخاذ هویت مقاومت در برابر حاکمیت دلالت دارد. همچنین از نظر آنان هویت قومی بر هویت ملی برتری دارد. در مطالعه‌ای با عنوان بررسی تأثیر بعد فرهنگی جهانی شدن بر هویت قومی جوانان بوکان، که توسط سبحانی در سال ۱۳۸۹ صورت گرفت، این نتیجه به دست آمد که بین تمرکززدایی، تحصیلات و درآمد با هویت قومی، رابطه معناداری برقرار است. حبی و همکاران (۱۳۸۹) در مطالعه‌ای با عنوان جهانی شدن و هویت‌های محلی و جهانی دانشجویان دانشگاه تبریز دریافتند که بین هویت محلی پاسخگویان و هویت ملی، رابطه منفی وجود دارد. هرچند مقاله‌ها و پایان‌نامه‌های زیادی در زمینه اقوام وجود دارد اما کارهایی که در بین دانش‌آموزان منطقه صورت گرفته باشد بسیار اندک است. این امر سبب می‌گردد که پژوهشگر به بررسی این مسئله، در منطقه مورد نظر بپردازد.

۲. ادبیات نظری

برای ورود به بحث فعلی، بهتر است ابتدا هویت و قومیت تعریف شود و سپس تفاوت بین هویت ملی و هویت قومی بازشناخته گردد و همچنین نحوه اثرگذاری این دو بر همدیگر بررسی شود.

قومیت^۱ به دیدگاه‌ها و شیوه‌های عمل فرهنگی که اجتماع معینی از مردم را متمایز می‌کند، اطلاق می‌شود. اعضای گروه‌های قومی، خود را از نظر فرهنگی، متمایز از گروه‌بندی‌های دیگر در جامعه می‌دانند و دیگران نیز آنها را همین گونه در نظر می‌گیرند. برای تشخیص گروه‌های قومی از یکدیگر، از ویژگی‌های مختلف بسیاری می‌توان استفاده کرد اما معمول‌ترین آنها عبارتند از زبان، تاریخ یا تبار، مذهب و شیوه لباس پوشیدن (گیدنز، ۱۳۸۷: ۲۷۸). مفهوم اقلیت قومی، آن گونه که در جامعه‌شناسی استنباط می‌شود، دارای برخی ویژگی‌هاست مانند وجود حس همبستگی و تعلق به همدیگر، جدا بودن از نظر اجتماعی از اجتماع بزرگتر و بعضاً مورد تبعیض واقع شدن توسط اکثریت (گیدنز، ۱۳۸۷: ۲۷۹). از نظر جانسون، هویت به معنای پنداشت نسبتاً پایدار فرد از کیستی و چیستی خود در ارتباط با افراد و گروه‌های دیگر اطلاق می‌شود که از طریق تعاملات اجتماعی و در فرآیند اجتماعی شدن، تکوین می‌یابد. هویت به معنای تلاش آگاهانه، مستمر و دائمی کنشگران برای پاسخ‌گویی به پرسش چیستی و کیستی و معرفی خود در برابر دیگران است که در دو سطح فردی و جمعی مطرح می‌شود. بعد فردی در روان‌شناسی و علوم رفتاری مورد بررسی قرار می‌گیرد و بعد جمعی هویت، مورد توجه اندیشمندان اجتماعی است. برخلاف هویت فردی، هویت جمعی، غیرشخصی بوده و از طریق اجتماع بر ساخته می‌شود. هویت قومی و هویت ملی، دو نوع هویت جمعی افراد به حساب می‌آید (حاجیانی، ایروانی و امیر، ۱۳۹۴: ۲). هویت ملی، از اقسام هویت جمعی و اجتماعی است که فرد با ضمیر **ما** خود را متعلق به عناصر و نمادهایی نظیر تاریخ، سرزمین، دین، مفاخر فرهنگی، دولت، زبان و ادبیات ملی می‌داند و در مقابل آن احساس تعهد، وفاداری و تکلیف می‌کند. در این میان، احساس تعلق خاطر و وفاداری به نظام سیاسی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این احساس تعلق و فداکاری ملت به دولت

۱. Ethnicity

است که به عنوان یک سرمایه بزرگ پیروزی، حفظ تمامیت سرزمینی و استقلال دولت را تضمین می‌کند (حاجیانی، ایروانی و امیر، ۱۳۹۴: ۳).

واژه هویت قومی از دهه ۱۹۶۰ به این سو رواج پیدا کرده است. برخی معتقدند هویت قومی، دلالت بر همگانی و یکسانی دسته‌ای از افراد دارد که دارای منشأ، سرنوشت، تجربه‌های تاریخی و احساس مشترک و در برخی موارد اقامت جغرافیایی مشترک هستند (حاجیانی، ۱۳۸۸: ۱۴۵). تاجفل معتقد است که هویت قومی، بخشی از پنداشت از خود است که از آگاهی و شناخت افراد از عضویت در گروه ناشی شده و همراه با ملاحظات احساسی و ارزشی است. منبع ارزش‌ها و تعلقات قومی، غالباً نمادهایی چون زبان، دین، آداب و مناسک و مفاخر است (تاجفل، ۱۹۷۸: ۶۳). در سطح کلان هویت قومی با تأثیرگذاری بر هویت ملی، می‌تواند اساس یک کشور را به خطر اندازد. در سطح خرد نیز تشدید هویت قومی، با تأثیر گذاشتن بر مناسبات زندگی افرادی که بنا به دلایلی در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند، می‌تواند مشکلات خاصی را به وجود آورد. تفرقه، تضاد، واگرایی اقوام و خرده‌فرهنگ‌های مستقر و ساکن در جامعه کثیرالقوم و چند فرهنگی مایه نگرانی و اسباب دل‌مشغولی را فراهم می‌آورد (حاجیانی، ایروانی و امیر، ۱۳۹۴: ۲). در ادامه به مهم‌ترین نظریه‌هایی که در این زمینه وجود دارد، اشاره می‌گردد.

دیدگاه کنش متقابل نمادین: این دیدگاه تلاش دارد بنیادهای نظری هویت را در قالب سازه‌هایی اجتماعی ارائه کند. قضیه بنیادین در کنش متقابل نمادین از این قرار است که مردم معانی نمادین را به اشیا، رفتارهای خودشان و دیگران اطلاق می‌کنند و این معانی را طی تعامل‌هایشان با هم منتقل کرده و بسط می‌دهند. پس معانی و در نتیجه هویت‌ها طی تعامل شکل گرفته و بسط می‌یابند. از دیدگاه مکتب کنش متقابل نمادین، هویت معادل خود است و هویت اجتماعی که مبتنی بر اشتراکات افراد گروه یا جامعه است، ناظر بر من مفعولی (بروور و یوکی، ۲۰۱۳: ۴۳؛ ریتزر، ۱۳۷۴: ۱۵۷؛ کوزر، ۱۳۶۷: ۲۱۲ و ۴۴۶).

دیدگاه اصالت‌گرایی: این مکتب تأکید می‌کند که قومیت و ناسیونالیسم پدیده‌ای دیرین و کهن است. از مفهوم اصالت‌گرایی، بیشتر برای توصیف ریشه‌ها و استحکام وابستگی قومی استفاده می‌شود. اصالت‌گرایان دو ادعای اساسی دارند: نخست اینکه ملت‌ها و ناسیونالیسم پدیده‌های کهن هستند و دوم اینکه طبیعی و بنابراین جهان‌شمول‌اند.

کسانی که بر جنبه‌های کهن قومیت تأکید می‌ورزند، به وجود نوعی ارتباط میان قومیت و خویشاوندی و نیز روابط قومی - عاطفی میان مردمی که اجداد و سرنوشت مشترک برای خود متصورند، اعتقاد دارند (احمدی، ۱۳۷۸: ۱۴۳؛ یا کوبسن، ۱۹۹۸: ۱۲؛ ماتیل، ۱۳۸۳: ۹۴۵).

دیدگاه نوسازی: فرآیند حذف هویت قومی در دو سطح اتفاق می‌افتد: کلان و خرد. در سطح کلان فرآیند نوسازی به همانندسازی پیشرفته فرهنگ مسلط بر جمعیت پیرامون می‌انجامد، همچنان که شبکه‌ای از تعاملات پهناور می‌شود و افراد پیرامون و اقلیت‌های فرهنگی و قومی روابط بیشتری با خارج از محل اقامت خود تجربه می‌کنند، این جریان همانندسازی از درون دولت - ملت اتفاق می‌افتد. در سطح خرد نیز، نرخ نوگرایی بستگی به میزان پذیرا بودن شخص و همبستگی وی با جلوه‌های فوق دارد. به بیان دیگر، به میزانی که ظرفیت فرد نسبت به پذیرش تجربه‌های جدید افزایش می‌یابد، به همان نسبت میزان نوگرایی وی نیز بیشتر خواهد شد (احمدی، ۱۳۷۸: ۱۴۱؛ گل محمدی، ۱۳۸۱: ۲۶۶).

دیدگاه استعمار داخلی: تئوری استعمار داخلی مطرح می‌سازد که افزایش تعاملات اجتماعی میان گروه‌های قومی در روند نوسازی و توسعه، ضرورتاً به ایجاد اتحاد ملی و محو همبستگی‌های قومی قطعه قطعه نمی‌انجامد بلکه برعکس می‌تواند به تعارضات قومی منجر گردد. مفروضات اصلی این تئوری بدین شکل است که موج نامتوازن مدرن‌سازی، در کشور دو گروه به وجود می‌آورد: گروه پیشرفته و گروه کمتر پیشرفته. در نتیجه این مزیت اتفاقی آغازین، منابع و قدرت بین دو گروه به شکلی نامساوی توزیع می‌شود که حاصل آن شکل‌گیری اقتصاد مرکز پیرامون است (اوزر کریملی، ۱۳۸۳: ۱۱۲ - ۱۱۵).

دیدگاه روابط ضعیف: توماس فارارو نظریه پارادوکس ساختار شبکه‌ها را مطرح کرده است. وی به این نتیجه دست یافته که از یک سو هرچه پیوندهای ضعیف، گسترده‌تر و قوی‌تر باشند، انسجام و ماندگاری کلیت گروه بیشتر خواهد بود؛ از طرف دیگر هر چه پیوندهای ضعیف کمتر باشند، میزان ارتباط زیرمجموعه‌های محلی و خرده شبکه‌ها و در نتیجه انسجام گروه‌های محلی بیشتر خواهد بود (فارارو، ۱۹۸۹: ۲۷۸ - ۲۷۸).

بر اساس این تئوری، هرچه قدر پیوندهای ضعیف بین دو گروه زبانی ترک آذری و کردی

بیشتر باشد، انسجام ملی بیشتر و در نتیجه هویت ملی افزایش می‌یابد و بر عکس هر چقدر پیوندهای ضعیف بین ترک آذری زبانان و کردزبانان کمتر باشد، انسجام محلی و قومی بیشتر و در نتیجه هویت قومی قوی‌تر خواهد بود.

فرضیه‌های تحقیق: بر اساس پیشینه تحقیق و همچنین مبانی نظری می‌توان فرضیه‌های زیر را ارائه داد:

(۱) میان‌گرایی به هویت قومی در بین کردزبانان و ترک آذری زبانان، تفاوت معناداری وجود دارد.

(۲) بین پیوندهای ضعیف میان دو گروه قومی و هویت ملی رابطه معناداری وجود دارد.

(۳) بین پیوندهای ضعیف میان دو گروه قومی و هویت قومی رابطه معناداری وجود دارد.

۳. روش‌شناسی تحقیق

مطالعه حاضر تحقیقی پیمایشی است. تحقیق پیمایشی، با مشاهده تغییر صفت در واحدهای تحلیل و دنبال کردن تغییرات دیگری که با آن همبسته است، در پی درک علل پدیده است (دواس، ۱۳۹۴: ۵). در این تحقیق از تکنیک پرسشنامه برای جمع‌آوری داده‌ها بهره گرفته شد. پیش از تهیه پرسشنامه، مصاحبه شفاهی با چند دانش‌آموز صورت گرفت، تا کلیتی از پرسش‌ها و همچنین پاسخ‌های احتمالی دانش‌آموزان به دست آید. جامعه آماری و نمونه تحقیق: جامعه آماری در این تحقیق، دانش‌آموزان کردزبان و ترک آذری زبان شهرستان میاندوآب می‌باشد. از بین مدارس حاضر در شهرستان، امکان مصاحبه با دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم (پسران) از هنرستان‌های مطهری، اکبری و طالقانی و دبیرستان‌های احمد خمینی، ابوعلی سینا و فروغی فراهم شد. برای اینکه نمونه‌ها به صورت تصادفی به دست آید، لیست کلیه دانش‌آموزان از تمامی مدارس فوق جمع‌آوری گردید و با توجه به قومیت هر کدام، یک لیست جداگانه برای کردزبانان و لیستی دیگر برای ترک آذری‌زبانان تهیه شد. سپس از بین این لیست به صورت تصادفی ۱۲۰ دانش‌آموز از میان کردزبانان و ۱۲۰ دانش‌آموز از میان ترک آذری‌زبانان انتخاب شدند و در بین آنها پرسشنامه توزیع شد که تمامی پرسشنامه‌ها به صورت صحیح پر شده بودند.

تعریف عملیاتی متغیرها: برای اندازه‌گیری گرایش به هویت ملی، از مؤلفه‌های هویت ملی که هر کدام از آنها، از گویه‌هایی تشکیل شده‌اند، بهره‌جسته شد. مؤلفه‌های گرایش به هویت ملی مثل گرایش به زبان و ادبیات، گرایش به میراث فرهنگی، وابستگی ملی، گرایش سیاسی و گرایش دینی می‌شود. وابستگی ملی به میزان علاقه فرد به ایران و ایرانی و تعهد و التزام عملی و نظری نسبت به آن است. گرایش سیاسی به میزان تعهد فرد در آگاهی به مسائل سیاسی ملی روز و میزان مشارکت سیاسی که از شرکت در رأی‌گیری تا شرکت عملی در سیاست تغییر می‌کند، اشاره دارد.

بر این اساس، برای اندازه‌گیری گرایش به هویت قومی، از چند مؤلفه که هر کدام از آنها از چند گویه تشکیل شده‌اند، بهره‌می‌گیریم. این مؤلفه‌ها شامل گرایش به زبان و ادبیات قومی (زبان ترکی و یا کردی)، گرایش به نمادهای غیرکلامی (موسیقی سنتی ترک آذری یا کردی)، گرایش به تاریخ قومی و وابستگی قومی است. همچنین برای سنجش روابط بین دانش‌آموزان هر قوم با قوم دیگر، از گویه‌هایی در این زمینه استفاده می‌شود. جدول زیر، مجموعه گویه‌هایی است که برای سنجش هویت قومی تهیه شده است.

جدول ۱: معرف‌ها و گویه‌های متغیر هویت قومی

مفهوم	معرف‌ها	گویه‌ها
هویت قومی	اجتماعی	برای من در درجه اول، قوم خودم مهم است. علاقه زیادی به تاریخ قوم خود دارم. از اینکه در قوم خودم (ترک آذری/کرد) به دنیا آمده‌ام، احساس غرور می‌کنم. از بودن در کنار قوم خودم، بیشتر حس آرامش می‌کنم تا با بودن در کنار سایر قوم‌ها.
	سیاسی	در انتخابات سعی می‌کنم به افرادی که از قوم من هستند، رأی بدهم. از شرکت در مراسم سیاسی که مربوط به قوم من است، لذت می‌برم. دوست دارم سیاست‌مداران از قوم من باشند.

<p>برای من خیلی مهم است که فرزندانم به زبان مادری خود صحبت کنند.</p> <p>به نظرم، باید به مذهب خودم همیشه وفادار باشم.</p> <p>به نظرم، هیچ موسیقی در دنیا، بهتر از موسیقی‌های اصیل قوم من نیست.</p>	فرهنگی	
--	--------	--

جدول زیر نیز، گویه‌های استفاده شده برای سنجش هویت ملی را نشان می‌دهد.

جدول ۲: معرف‌ها و گویه‌های متغیر هویت ملی

مفهوم	معرف‌ها	گویه‌ها
هویت ملی	اجتماعی	<p>ترجیح می‌دهم خودم را به عنوان یک ایرانی معرفی کنم.</p> <p>به پرچم و سرود ملی ایران، ارزش خاصی قائلم.</p> <p>از اینکه در ایران متولد شده‌ام، خوشحالم.</p> <p>اگر روزی به ایران حمله شود، من برای دفاع از کشور رهسپار جنگ می‌شوم.</p>
	سیاسی	<p>اینکه در عرصه سیاست، در کشور ایران چه اتفاقاتی رخ می‌دهد، برایم مهم است.</p> <p>سعی می‌کنم در انتخابات شرکت کنم.</p> <p>آینده سیاسی کشور برایم مهم است و دنبال مطالب مرتبط با آن هستم.</p>
	فرهنگی	<p>از نظر من، زبان فارسی، بهترین زبانی است که می‌توانست به عنوان زبان رسمی کشور انتخاب شود.</p> <p>من به دین رسمی کشور احترام و ارزش قائلم.</p> <p>تمامی آثار باستانی و میراث فرهنگی که در کشور وجود دارد، نشان‌دهنده هویت من است.</p>

بررسی تطبیقی هویت قومی و هویت ملی در میان دانش‌آموزان ترک آذری زبان و کردزبان

جدول زیر، گویه‌هایی است که برای سنجش میزان ارتباط هر فرد با قوم دیگر تهیه گردیده است.

جدول ۳: گویه‌های متغیر ارتباط با قوم دیگر

گویه‌ها	مفهوم
دوست دارم که با هم‌زبان‌های خودم در یک کلاس باشم. وقتی ورزش می‌کنیم دوست دارم که با هم‌زبان خودم در یک تیم باشم. بیشتر دوستان من در مدرسه، از هم‌زبانانم هستند. وقتی مشکلی برای من پیش می‌آید، دوست دارم آن‌را با کسانی که هم‌زبان من هستند، مطرح کنم. در کارهای کلاسی، من و هم‌زبان‌هایم بیشتر موقع در یک گروه قرار می‌گیریم.	ارتباط

در پرسشنامه اصلی، برخی گویه‌ها به صورت منفی به کار گرفته شد تا پاسخ دقیق دریافت گردد. سؤالات بر اساس طیف لیکرت بوده و تعداد پاسخ‌های ممکن به هر سؤال ۵ پاسخ می‌باشد که شامل خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم و خیلی کم است.
پایایی: برای سنجش پایایی گویه‌ها از روش آلفای کرونباخ استفاده شد. برای افزایش میزان آلفای کرونباخ، گویه‌هایی که سبب کم شدن میزان آلفا می‌شدند، حذف گردیدند.

جدول ۴: پایایی گویه‌ها

آلفای کرونباخ	متغیر
۰/۸۲	هویت قومی
۰/۷۸	هویت ملی
۰/۸۱	ارتباط با قوم دیگر

با توجه به مقادیر به دست آمده، پایایی متغیرهای تقریباً در حد متوسطی قرار دارد.

۴. تحلیل تجربی

یافته‌های تحقیق، در دو بخش یافته‌های توصیفی و یافته‌های استنباطی ارائه می‌گردد.

یافته‌های توصیفی

توزیع متغیرهای زمینه‌ای: همان‌گونه که در قسمت نمونه‌گیری نیز اشاره گردید، تمامی پاسخگویان، دانش‌آموزان پسر بودند. از نظر مذهب، تمامی کردزبان‌هایی که پرسشنامه پر کردند، سنی مذهب و تمامی ترک‌آذری‌زبانان، شیعه مذهب بودند. توزیع متغیرها مستقل و وابسته: جدول زیر نشان‌دهنده توزیع هویت قومی دانش‌آموزان است.

جدول ۵: توزیع فراوانی هویت قومی پاسخگویان به تفکیک قومیت

	پایین	متوسط	بالا	مینیمم	ماکسیمم	میانگین
کردزبان	۱۷	۴۸	۵۵	۱۸	۴۸	۳/۷۵
	۱۴	۴۰	۴۶			
ترک‌آذری‌زبان	۲۱	۶۱	۳۸	۱۸	۴۷	۳۳/۹
	۱/۵۷	۵۱	۳۱/۵			

دامنه نمره هویت قومی دانش‌آموزان کردزبان بین ۱۸ تا ۴۸ بوده و میانگین نمراتشان ۳۵/۷ می‌باشد. همچنین دامنه نمرات دانش‌آموزان ترک‌آذری‌زبان، ۱۸ تا ۴۷ بوده و میانگین نمراتشان ۳۳/۹ شده است. با توجه به این جدول می‌توان گفت که میزان هویت قومی دانش‌آموزان کردزبان بیشتر از دانش‌آموزان ترک‌آذری‌زبان می‌باشد. جدول زیر نیز توزیع هویت ملی در بین پاسخگویان را نشان می‌دهد.

جدول ۶: توزیع فراوانی هویت ملی پاسخگویان به تفکیک قومیت

	پایین	متوسط	بالا	مینیمم	ماکسیمم	میانگین
کردزبان	۴۷	۵۰	۲۳	۱۷	۴۶	۳/۵۰
	۳۹	۴۲	۱۹			
ترک‌آذری‌زبان	۶۰	۳۸	۲۲	۱۶	۴۳	۲/۷۹
	۵۰	۳۲	۱۸			

دامنه نمره هویت ملی دانش‌آموزان کردزبان بین ۱۷ تا ۴۶ بوده و میانگین نمراتشان

۳۰/۵ می‌باشد. علاوه بر آن، دامنه نمرات دانش‌آموزان ترک آذری زبان، ۱۶ تا ۴۳ بوده و میانگین نمراتشان ۲۹/۷ شده است. با توجه به جدول فوق می‌توان گفت که میزان هویت ملی دانش‌آموزان کردزبان به نسبت دانش‌آموزان ترک آذری زبان، اندکی بیشتر است.

۵. یافته‌های استنباطی

در این بخش از تحقیق، به بررسی فرضیه‌ها پرداخته می‌شود.

آزمون فرضیه اول: فرضیه نخست بیان می‌کند که میان گرایش به هویت قومی در بین دانش‌آموزان کردزبان و ترک آذری زبان، تفاوت معناداری وجود دارد. از آزمون مان ویتنی^۱ (U) برای مقایسه میانگین دو جامعه استفاده می‌شود. جدول زیر، نشان‌دهنده نتایج این آزمون است.

جدول ۷: نتایج آزمون مان ویتنی

متغیر	قومیت	تعداد	میانگین	اختلاف میانگین	مان ویتنی (U)	سطح معنی‌داری
هویت قومی	کردزبان	۱۲۰	۳۵/۷	۱/۸	۷/۶	۰/۱۰۶
	ترک آذری زبان	۱۲۰	۳۳/۹			

با توجه به جدول فوق و میزان سطح معنی‌داری که بیشتر از ۰/۰۵ است، می‌توان نتیجه گرفت که بین میزان هویت قومی دانش‌آموزان ترک آذری زبان و کردزبان، تفاوت معناداری وجود ندارد.

آزمون فرضیه دوم: فرضیه دوم اشاره دارد که بین پیوندهای ضعیف میان دو گروه قومی و هویت ملی رابطه معناداری وجود دارد. از آنجایی که دو متغیر پیوندهای ضعیف بین دو قوم و همچنین هویت ملی، هر دو در سطح فاصله‌ای قرار دارند، برای سنجش همبستگی بین این دو متغیر، از ضریب همبستگی پیرسون بهره گرفته شد. جدول زیر بیانگر نتیجه این آزمون است.

جدول ۸: بررسی رابطه پیوند بین دو گروه قومی و هویت ملی

۱. Mann – Whitney U

۰/۱۶۷	مقدار I پیرسون	رابطه پیوند بین دو گروه قومی
۰/۰۱	سطح معنی‌داری	و هویت ملی

با توجه به سطح معنی‌داری، می‌توان گفت که دو متغیر رابطه معناداری با یکدیگر دارند و با افزایش پیوند بین دو گروه قومی، میزان هویت اجتماعی نیز افزایش پیدا می‌کند.

آزمون فرضیه سوم: فرضیه سوم تحقیق بیان می‌دارد که بین پیوندهای ضعیف میان دو گروه قومی و هویت قومی رابطه معناداری وجود دارد. در اینجا نیز به مانند آزمون فرضیه بالایی، از ضریب همبستگی پیرسون برای سنجش رابطه دو متغیر استفاده می‌شود.

جدول ۹: بررسی رابطه پیوند بین دو گروه قومی و هویت قومی

۰/۲۰	مقدار I پیرسون	رابطه پیوند بین دو گروه قومی و هویت قومی
۰/۰۰۹	سطح معنی‌داری	

فرضیه سوم نیز در سطح معنی‌داری ۰/۰۰۹ تایید می‌شود و این دو متغیر رابطه معناداری با یکدیگر دارند. بنابراین با کاهش پیوند ضعیف بین دو قوم، میزان هویت قومی افزایش می‌یابد.

نتیجه‌گیری

در جامعه ایران، به علت بافت چند فرهنگی و چند قومی، توجه به قومیت‌ها اهمیت زیادی دارد. دانش‌آموزان در مرحله‌ای قرار دارند که هویت آنها شکل می‌گیرد و تکوین می‌یابد. تعلقات و وفاداری‌های آنان در وهله اول محدود و محصور در اجتماعات قومی است و بر اساس آن خود را می‌شناسند و هویت می‌یابند. با ورود فرد به گروه‌ها و اجتماعات بزرگ‌تر، از جمله مدرسه و دانشگاه، به تدریج گرایش‌های عاطفی مثبت نسبت به دیگرانی کلی‌تر (هویت ملی) تعریف می‌شود. امروز اغلب جوانان و به ویژه دانش‌آموزان و دانشجویان در برابر الگوهای محلی، ملی و حتی جهانی متفاوتی قرار گرفته‌اند و به تبع آن نوعی آگاهی نسبت به فرهنگ‌ها و اجتماعات گوناگون به دست می‌آورند و همین مساله، مرزبندی هویتی آنها را دستخوش تغییر می‌سازد. به همین سبب، بررسی موضوع رابطه بین اقوام در شهرهای دو قومیتی مورد توجه قرار گرفت. یافته‌های تحقیق نشان داد که اختلاف معناداری بین کردزبانان و ترک‌آذری‌زبانان از

نظر دارا بودن هویت قومی وجود ندارد و دانش‌آموزان هر دو قوم تقریباً به یک اندازه از هویت قومی برخوردارند. یافته‌های تحقیق بیان می‌کند که با افزایش پیوندهای ضعیف بین دو قوم، هویت ملی نیز افزایش پیدا می‌کند. به عبارتی هر چقدر دانش‌آموزان یک قوم، ارتباط بیشتری با قوم دیگر برقرار می‌کردند، میزان هویت ملی آنها نیز افزایش پیدا می‌کرد. همچنین تحقیق نشان داد که با کاهش ارتباط بین دانش‌آموزان دو قوم، هویت قومی آنها افزایش می‌یابد. یعنی به هر اندازه که ارتباط دانش‌آموزان یک قوم با دانش‌آموزان قوم دیگر کاهش پیدا کند، میزان هویت قومی آنها نیز افزایش پیدا خواهد کرد. یافته‌های به دست آمده در تحقیق حاضر، با اکثر یافته‌های به دست آمده از تحقیقات پیشین، همخوانی دارد.

این تحقیق با توجه به نظریه فارارو صورت گرفت. فارارو بیان می‌کند که وجود پیوندهای ضعیف بین افراد و گروه‌ها، سبب افزایش انسجام کل جامعه می‌شود. به عبارت دیگر اگر افرادی که در یک جامعه ساکن هستند، با سایر افراد ساکن در آن جامعه، ارتباط مؤثر برقرار کنند، این ارتباط سبب تقویت وحدت می‌شود. پیوندهای ضعیف شامل کلیه ارتباطات (چه از طریق رسانه‌ها و چه از طریق ارتباطات چهره به چهره) می‌شود. تحقیق فعلی نیز، با در نظر گرفتن چنین ارتباطاتی، به بررسی روابط بین دانش‌آموزان دو قوم ترک آذری و کرد در میاندوآب پرداخت و نتیجه‌ای که به دست آورد، منطبق با نظریه فارارو بود؛ به گونه‌ای که با افزایش پیوندهای ضعیف بین دانش‌آموزان هر کدام از اقوام، میزان هویت ملی نیز افزایش یافته و با کاهش پیوندهای بین افراد دو قوم، هویت قومی (که هویتی محلی و کوچک در مقایسه با هویت ملی محسوب می‌شود) افزایش و هویت ملی کاهش می‌یابد.

در پایان می‌توان گفت که افزایش هویت ملی، افزایش انسجام ملی و اجتماعی را در پی دارد و این افزایش انسجام اجتماعی، خود سبب استحکام، پایداری و پیشرفت جامعه می‌شود. از طرف دیگر افزایش هویت قومی، انسجام قومی را سبب می‌گردد. اگر افزایش هویت قومی، با افزایش هویت ملی همراه نباشد، باید منتظر چند پارگی اجتماعی بود که در نهایت منجر به فروپاشی کشور می‌شود. هویت قومی و هویت ملی، هیچکدام یکدیگر را سلب نمی‌کنند ولی اگر تنها بر یکی اصرار تأکید شود و دیگری انکار گردد باید شاهد به وجود آمدن آسیب‌های اجتماعی بود.

منابع

- احمدی، حمید (۱۳۷۸). قومیت و قوم‌گرایی در ایران: افسانه و واقعیت، تهران: نشر نی.
- اوزر کریمی، اوموت (۱۳۸۳). نظریه‌های ناسیونالیسم، مترجم محمدعلی قاسمی، تهران: تمدن ایرانی.
- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۸۸). «نسبت هویت ملی و هویت قومی در میان اقوام ایرانی»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره نهم، شماره ۳ و ۴، صص ۱۴۳ - ۱۶۴.
- حاجیانی، ابراهیم؛ ایروانی، زهرا؛ امیر، آرمین (۱۳۹۴). «بررسی تطبیقی هویت قومی در ایران و لبنان»، جامعه‌شناسی کاربردی، سال ۲۶، شماره ۵۸، صص ۱ - ۱۵.
- حبی، اکرم؛ فتحی‌آذر، اسکندر و محمدبخش، بهمن (۱۳۸۹). «جهانی‌شدن و هویت‌های محلی و جهانی دانشجویان (مطالعه موردی دانشگاه تبریز)»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، دوره ۳، شماره ۲، صص ۱۰۱ - ۱۲۱.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۸). «میزگرد وفاق اجتماعی»، فصلنامه مطالعات ملی، سال ۱، شماره ۱.
- چلبی، مسعود؛ یزدانی‌نسب، محمد (۱۳۹۰). «بررسی تطبیقی کمی اثر سیاست‌های قومی بر تضاد قومی و شیوه بروز آن بین سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۴»، مجله تحلیل اجتماعی، شماره ۶۰/۴.
- دواس، دی‌ای (۱۳۹۴). پیمایش در تحقیقات اجتماعی، مترجم هوشنگ نایی، تهران: نشر نی.
- رحمانی، سمیه (۱۳۸۸). بررسی نگرش نخبگان کرد به هویت جمعی (قومی/ملی): تحلیل گفتمان هویت قومی و ملی نخبگان استان کردستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی.
- ریتزر، جورج (۱۳۷۴). نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، مترجم محسن ثلاثی، تهران: نشر علمی.
- سحابی، جلیل؛ آقاییگ‌پوری، هاشم (۱۳۸۹). «بررسی تأثیر بعد فرهنگی جهانی‌شدن بر هویت قومی (مطالعه موردی جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله شهرستان بوکان)»، فصلنامه مطالعات ملی، ۴۱، سال ۱۱، شماره ۱، صص ۱۳۵ - ۱۵۳.
- علایی، بهلول (۱۳۸۵). «رابطه قوم‌مداری زبانی و جمع‌گرایی با کاربرد زبان فارسی در محیط‌های آموزشی یک منطقه ترک‌زبان»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، شماره ۴۹، صص ۱۵ - ۳۹.
- کوزر، لوئیس (۱۳۶۷). زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، مترجم محسن ثلاثی، تهران:

نشر علمی.

گل محمدی، احمد (۱۳۸۱). جهانی شدن، فرهنگ، هویت، تهران: نشر نی.
گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
ماتیل، الکساندر (۱۳۸۳). دایره‌المعارف ناسیونالیسم، مترجم کامران فانی و محبوبه مهاجر، تهران: کتابخانه وزارت امور خارجه.
یوسفی، علی (۱۳۸۰). «روابط بین‌قومی و تأثیر آن بر هویت اقوام در ایران»، فصلنامه مطالعات ملی، سال ۲، شماره ۸، صص ۱-۲۹.

Brewer, Marilyn, Yuki, Masaki (2014). *Culture and Group Processes*, Oxford University Press, New York.

Ericson, Thomas Hylland (1993). *ethnicity and nationalism (anthropological perspective)*, Pluto press, London.

Fararo, Thomas, J. (1989). *The Meaning of General Theoretical Sociology*, Cambridge University Press, New York.

Gurr, Ted Robert (1993). why minorities rebel: A global analysis of communal mobilization and conflict since 1945, *International political science review*, Vol. 14, No. 2, pp 161 – 201.

Gurr, Ted Robert, Will, H. Moore (1993). Ethnopolitical Rebellion: A Cross-Sectional Analysis of the 1980s with Risk Assessments for the 1990s, *American Journal of Political Science*, Vol. 41, No. 4, pp 1079-1103.

Jacobson, J. (1998). *Islam in Transition*, London and New York, Routledge.

Kabeer, Naila (2006). Poverty, Social Exclusion and the MDGs: The Challenge of 'Durable Inequalities' in the Asian Context, *Institute of Development studies*, Vol. 37, No. 3, pp 64 – 78.

Minorities At Risk, Codebook version 2/2009. *Center for international development and conflict management*.

Phinney, S. Jean (1990). ethnic identity in adolescents and adults: review of research, *Psychological Bulletin*, Vol. 108, No. 3, pp 499 – 514.

Pluss, Carolin (2005). constructing globalized ethnicity, migrants from India in Hongkong, *International Sociology*, Vol. 20, No. 2, pp 201 – 224.

Steinberg, A. David, Saideman, M. Stephen (2008). Laissez Fear: Assessing the Impact of Government Involvement in the Economy on Ethnic Violence, *International Studies Quarterly*, 52, pp 235–259.

Tajfel, H (1978). *Differentiation between Social Groups: Studies in the Social Psychology of Inter group Relations*. Cooperation with European Association of Experimental Social Psychology by Academic Press, London.

Walter, F. Barbara (2006). Building Reputation: Why Governments Fight Some Separatists but Not Others, *American Journal of Political Science*, Vol. 50, No. 2, pp 313–330.

Wimmer, Andreas, Cederman, Lars-Erik, Min, Brian (2009). Ethnic Politics and Armed Conflict: A Configurational Analysis of a New Global Data Set, *American sociological review*, Vol. 74, pp 316–337.

Zhiyenbayeva, N.B., et al. (2013). Experimental Study of Teenagers Ethnic Identity, *Procedia – Social and Behavioral Sciences*, Vol. 89, pp 939 – 943.